

آرای هیأت عمومی دیوان عالی کشور

(۱) تصرف به عنوان وقفیت دلیل وقفیت است تا خلافش ثابت گردد

حکم شماره ۶۹۹-۱۳۳۴/۴/۱۷

در موضوع تصرف به عنوان وقفیت و اثبات آن به گواهی گواهان آرای از شعب ۴ و ۶ و دیوان عالی کشور صادر گردیده است که چون مغایر به نظر رسیده به تقاضای دادستان کل در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح گردیده است، هیأت مزبور به شرح ذیل اظهار نظر کرده اند:

پس از قرائت رأی های صادره از شعبه ۴ و ۶ و استماع توضیحات آقایان ریسان و مستشاران شعبتین نامبرده و مذاکره و بحث در اطراف مسأله روشن گردید که نسبت به اصل و اساس حکم قضیه اختلاف نظر و رویه بین دو شعبه نبوده است و هر دو شعبه در مسایل زیر متفق می باشند:

۱- به طوری که طبق ماده ۳۵ قانون مدنی تصرف به عنوان مالکیت دلیل مالکیت است تا خلافش محرز گردد.

۲- تصرف به عنوان وقف ثابلاً اثبات با شهادت شهود است.

۳- ید فعلی حاکم بر ید سابق است. یعنی تصرف فعلی به عنوان مالکیت را تصرف سابق وقف ولو ثابت شود از اعتبار ساقط نمی کند مگر در صورتی که ضمن اثبات تصرف سابق وقف محرز گردد که منشأ تصرف فعلی مالکانه غصب و بدون مجوز قانونی عدواناً عین موقوفه از تصرف وقف انتزاعی شده است و در این صورت تصرف وقف معتبر است تا خلافش ثابت شود. با توافق نظر در سه اصل فوق مجال و موردی برای اختلاف نظر شعبتین باقی نبوده تا برای رفع آن و توحید رویه موضوع طرح و اخذ رأی هیأت عمومی به عمل آید.

۲) عدم قابلیت اثبات عقد وقف صرفاً با شهادت شهود

رأی وحدت رویه شماره ۳۹۲۵ مورخ ۱۳۳۷/۱/۱۵

چون به موجب صریح ماده (۱۳۰۶) قانون مدنی عقد وقف صرفاً به وسیله شهادت شهود قابل اثبات نیست از این رو نظر شعبه چهارم دیوان عالی کشور صحیح و منطبق با ماده مزبور بوده است بدیهی است که غاصبیت ید متصرف به عنوان مالکیت یا سبق تصرف وقف به وسیله شهادت شهود قابل اثبات است این رأی به موجب ماده واحده مصوب ۱۳۲۸/۴/۷ کمیسیون قوانین دادگستری مجلس شورای ملی لازم‌الاتباع می‌باشد.

توضیحات: این ماده به موجب قانون اصلاحی ۱۳۷۰/۸/۱۴ حذف شد.

۳) مستفاد از صرف عبارت نسلأ بعد نسل در مورد وقف و تولیت و وصایت تربیت است نه

تشریح

رأی وحدت رویه ۳۵۶۱ مورخ ۱۳۴۲/۱۲/۲۹

نظریه آرای صادره از شعب اول و ششم دیوان عالی کشور از یک طرف و شعبه دهم دیوان مزبور از طرف دیگر از حیث اختلاف در مقتضای عبارت نسلأ بعد نسل مندرج در وقفنامه و وصیتنامه‌ها که موضوع از لحاظ قانون مربوط به وحدت رویه در هیأت عمومی دیوان عالی کشور مطرح و چنین رأی داده می‌شود:

«مستفاد از صرف عبارت نسلأ بعد نسل در مورد وقف و تولیت و وصایت تربیت است نه تشریح از این قرار که هرگاه یکی از نسل موجود با داشتن فرزند فوت شود فرزند او با باقیمانده‌گان نسل در انتفاع از مورد وقف یا در امر تولیت و وصایت نمی‌تواند شرکت نماید و مادام که چند نفر حتی یک نفر هم از نسل مقدم وجود داشته باشد نوبت به نسل بعد نخواهد رسید و همچنین است در مورد عبارت طبقاً بعد طبقه و بنابراین رأی شعبه اول و ششم موضوعاً صحیح است و این رأی به موجب ماده واحده قانون وحدت رویه مصوب تیرماه ۱۳۲۸ در نظایر مورد متبع و لازم‌الاجرا است.»

۴) امکان اقامه دعوی سازمان اوقاف و اشخاص ذی نفع از آرای شعب تحقیق در دادگاههای

عمومی دادگستری و رسیدگی مطابق قواعد عمومی راجع به دعاوی حقوقی

رأی وحدت رویه ۶۱۲ دیوان عالی کشور، مورخ ۱۳۷۵/۱۰/۱۸

به موجب ماده ۱۶ آیین نامه قانونی کیفیت تحقیق در شعب تحقیق سازمان حج و اوقاف مصوب ۱۳۶۵/۹/۳۰، ادارات حج و اوقاف و امور خیریه و همچنین اشخاص ذینفع که آراء هیات تحقیق را به ضرر خود تشخیص می دهند می توانند در دادگاههای دادگستری اقامه دعوی نمایند و چنین دعوائی که به طرفیت متولی موقوفه و یا ادارات اوقاف و یا اشخاص، طرح می گردد تابع قواعد عمومی راجع به دعاوی حقوقی است و ملازمه با محل استقرار شعب تحقیق صادر کننده رأی ندارد و چون موقوفات مربوط به دعاوی مطروحه در حوزه قضائی تویسرکان واقع اند رسیدگی به آن در صلاحیت محاکم همان محل است. لذا رأی شعبه سی ام دیوان عالی کشور که با این نظر مطابقت دارد به نظر اکثریت اعضاء هیأت عمومی دیوان عالی کشور صحیح تشخیص و مورد تأیید می باشد. این رأی باستناد ماده واحده قانون مربوط به وحدت رویه قضائی مصوب تیرماه ۱۳۲۸ برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها در موارد مشابه لازم اتباع است.